

ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن

سجاد طایری^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره ۲، پیاپی ۸۲، تابستان ۱۳۹۹؛ صفحات ۸۲-۵۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

چکیده

در ترکیه گفتمان رسمی و یا سیاست‌مداری که خود را پساکمالیست بخواند وجود ندارد و این تنها مفهومی نظری است که تحلیل‌گران به برخی افراد و گروه‌های موجود در ترکیه داده‌اند. اولین سیاست‌مداری را که می‌توان پساکمالیست نامید، نجم‌الدین اربکان است که در خرداد ۱۳۷۵ در دولت سلیمان دمیرل قدرت را به دست گرفت. به قدرت رسیدن حزب رفاه در اواسط دهه ۱۳۷۰ به رهبری اربکان اولین زاویه‌گیری عمده از کمالیسم در سیاست داخلی و خارجی بود. انتقاد از غرب و اسرائیل، اعتدال نسبت به کردها، استفاده از ادبیات و واژگان اسلامی، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، تلاش برای ایجاد فاصله با غرب و نزدیکی به کشورهای اسلامی (به صورتی که به هیچ کشور غربی سفر نکرد و عمده سفرهایش به کشورهای اسلامی بود)، عدم تمکین به قانون داماتو و تداوم روابط با ایران و لیبی، امضای توافق ۲۰ ساله گازی با ایران و تأسیس سازمانی اسلامی از جمله رویکردهای پساکمالیستی اربکان بود.

رویکرد فراکمالیستی نجم‌الدین اربکان بسیار زودتر از آنچه که به نظر می‌رسید با شکست مواجه شد و این کمالیست‌ها و نظامیان بودند که با طرح کودتای سفید زمینه برکناری او از قدرت را در سال ۱۳۷۶ کلید زدند. با این وجود، همچنان پروژه پساکمالیسم در مقام یک گفتمان در قلب سیاست ترکیه باقی ماند و این بار در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰۰۰ بود که در قامت حزب عدالت و توسعه، بار دیگر رهبران سیاسی پساکمالیسم مجال حضور در مدیریت دولت ترکیه را پیدا کردند اما این بار در مسیر خود گام‌هایی محکم برداشتند.

واژگان کلیدی

ترکیه، آتاتورک، اردوغان، عثمانیسم، حزب عدالت و توسعه

مقدمه

امروزه برای تبیین سیاست خارجی یک کشور و حتی در سطحی خردتر برای بررسی و تامل

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی، کارشناس مسائل اوراسیا

در مبانی سیاست خارجی یک حزب یا یک دولت مستقر چهار ساله، از سطح تحلیل گفتمان به عنوان مبنایی برای سنجش سیاست خارجی آن دولت، یا حتی حزب و رهبر سیاسی یاد می‌شود. بر مبنای همین تقسیم‌بندی در چند سطح کلان ذیل می‌توان سیاست خارجی ترکیه را مورد شرح و مذاقه قرار داد.

بدون تردید مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ترکیه را می‌توان گفتمان «کمالیسم» دانست. این گفتمان همان‌گونه که از عنوان آن مشخص است با نام مصطفی کمال - آتاتورک -، بنیان‌گذار و رهبر سیاسی ترکیه جدید شناخته می‌شود.

کمالیسم دارای شش اصل یا شش پیکان^۱ (که در پرچم حزب خلق جمهوری خواه ترکیه می‌باشد) است؛ جمهوری خواهی، ملی‌گرایی، مردم‌گرایی، سکولاریسم، دولت‌گرایی و انقلابی‌گری. جهت‌گیری ترکیه در در دوران آتاتورک در سیاست خارجی انزواطلبی بود. به ویژه در حوزه منطقه‌ای، از آنجا که اسلام را مترادف عقب‌افتادگی و پسرفت تلقی می‌کرد، در تلاش بود تا حد امکان ترکیه از حوزه پرمنازعه خاورمیانه و شرق دور بماند.^۲

پروژه‌های جاه‌طلبانه آتاتورک، مدرنیزاسیون و اصلاحات فرهنگی، ترکیه را واداشت تا از جهان آشفته پیرامونی که برای سده‌ها بر آن حکومت می‌کرد، دور بماند. پیام ترکیه برای منطقه و جهان این بود که این کشور یک دولت - ملت سکولار است و گرایش‌های امپراتوری و انضمام‌طلبانه، همانند سلف خود ندارد. این مسئله در جمله معروف آتاتورک «صلح در خانه و صلح در جهان» آشکار است. اما الزامات عینی، همچون رویکرد تهاجمی شوروی به عنوان همسایه ترکیه، این کشور را وادار می‌کرد که به هر صورت جهت‌گیری‌ای در سیاست خارجی داشته باشد و آن نیز همکاری و همگرایی کامل با غرب بود.^۳

با این اوصاف، می‌توان پروژه اصلی گفتمان سیاست خارجی کمالیسم را در قالب دو مولفه کلیدی مورد ارزیابی و خوانش قرار داد. یکی گرایش به تمدن غربی و دیگری ملی‌گرایی ترکی. بر این اساس گفتمان کمالیسم از سوی ناظران سیاسی، گفتمانی ملی‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی خوانده شده است. اما نکته قابل توجه این است که هر دو

1. Six Arrows

۲. علی اصغر ستوده و سیدامیر نیاکویی، پوشش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان - ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۱۵.

3. w Olson and ince Nurhan, Turkish foreign policy from 1923 -1960: Kemalism and its legacy, a review and a critique, Oriente Moderno, Anno 57, Nr. 5/6, 1997. P 231.

این گفت‌وگوها در قالب گفت‌وگو یا نقشه‌راه کلان‌تر کمالیسم قابل جمع و ارزیابی هستند.

گفت‌وگو پسا کمالیسم یا پیرامون گرایی

در ترکیه گفت‌وگو رسمی و یا سیاست‌مداری که خود را پسا کمالیست بخواند وجود ندارد و این تنها مفهومی نظری است که تحلیل‌گران به برخی افراد و گروه‌های موجود در ترکیه داده‌اند. اولین سیاست‌مداری که می‌توان پسا کمالیست نامید، نجم‌الدین اربکان است^۱ که در خرداد ۱۳۷۵ در دولت سلیمان دمیرل قدرت را به دست گرفت. به قدرت رسیدن حزب رفاه در اواسط دهه ۱۳۷۰ به رهبری اربکان اولین زاویه‌گیری عمده از کمالیسم در سیاست داخلی و خارجی بود. انتقاد از غرب و اسرائیل، اعتدال نسبت به کردها، استفاده از ادبیات و واژگان اسلامی، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، تلاش برای ایجاد فاصله با غرب و نزدیکی به کشورهای اسلامی (به صورتی که به هیچ کشور غربی سفر نکرد و عمده سفرهایش به کشورهای اسلامی بود)، عدم تمکین به قانون داماتو و تداوم روابط با ایران و لیبی، امضای توافق ۲۰ ساله گازی با ایران و تأسیس سازمانی اسلامی از جمله رویکردهای پسا کمالیستی اربکان بود.^۲

رویکرد فرا کمالیستی نجم‌الدین اربکان بسیار زودتر از آنچه که به نظر می‌رسید با شکست مواجه شد و این کمالیست‌ها و نظامیان بودند که با طرح کودتای سفید زمینه برکناری او از قدرت را در سال ۱۳۷۶ کلید زدند. با این وجود، همچنان پروژه پسا کمالیسم در مقام یک گفت‌وگو در قلب سیاست ترکیه باقی ماند و این بار در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰۰۰ بود که در قامت حزب عدالت و توسعه^۳، بار دیگر رهبران سیاسی پسا کمالیسم مجال حضور در مدیریت دولت ترکیه را پیدا کردند اما این بار در مسیر خود گام‌هایی محکم برداشتند.

در واقع، دومین مرحله قدرت‌گیری پسا کمالیست‌ها انتخابات پارلمانی آبان ۱۳۸۱ و پیروزی حزب عدالت و توسعه بود. در این دوره نفوذ کمالیست‌ها در رسانه‌ها، قوه قضاییه و نهادهای نظامی به حاشیه رفت. اردوغان و حزب عدالت و توسعه قدرت را در انحصار گرفتند. اردوغان به مرور در صدد برآمد تا خلأ کمالیسم را در سیاست ترکیه پر کند.^۴

۱. برخی‌ها خلیل تورگوت اوزال سیاست‌مدار و رهبر سیاسی سابق ترکیه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ را اولین شخصیت سیاسی پسا کمالیست قلمداد می‌کنند.

۲. غلامعلی سلیمانی، دانیال رضاپور و سامان فاضلی، بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست‌ها و پسا کمالیست‌ها در جمهوری ترکیه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۲، تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۲۱.

3. Justice and Development Party

4. Ahmet Kuru (2015), Turkey's Failed Policy toward the Arab Spring: Three Levels of Analysis, Mediterranean Quarterly 26:3 DOI 10.1215/10474552-3145779, P 10.

هرچند تسلط اردوغان بر گفتمان پساکمالیسم به اندازه تسلط آتاتورک بر کمالیسم نیست اما مواضع وی بیشترین تأثیر را بر آن دارد به نوعی که برخی به جای پساکمالیسم از «اردوغانیسم» صحبت می‌کنند. گرایشات شخصی اردوغان نشان داده است که وی با آتاتورک و کمالیسم اختلاف نظرهای بنیادین دارد. برای مثال در حالی که آتاتورک گفته بود «باید از تسلط چندین قرنی علامات و رسم الخطی که دانستن و یاد دادن آن مشکل است و در ذهن‌های ما تبدیل به قالب‌های سختی شده، خلاص شویم»، اردوغان ضمن دستور آموزش زبان عثمانی و رسم الخط عربی بیان کرد: «آتاتورک با حذف زبان عثمانی رگ گردن ترکیه را قطع کرد... بسیاری از ما وقتی سر مزار اجدادمان حاضر می‌شویم نمی‌توانیم حتی متن نوشته شده روی سنگ قبر آنها را بخوانیم»^۱

در ارزیابی این گفتمان در عرصه سیاست خارجی می‌توان به سه نکته کلیدی اشاره داشت. اول اینکه بر خلاف گفتمان کمالیستی، غرب تنها مینا و حوزه مورد تأیید و تأکید در حوزه سیاست خارجی نمی‌باشد و حوزه تمدنی شرق نیز می‌بایست مورد تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد. دوم این‌که بر میراث امپراتوری عثمانی و احیای آن به عنوان اصلی پیش‌رو در عرصه سیاست خارجی تأکید می‌شود. سوم این‌که اسلام و اسلام‌گرایی نه تنها به عنوان نماد عقب‌ماندگی شناخته نمی‌شود، بلکه به کانونی برای تعریف و هدایت سیاست خارجی ترکیه تبدیل می‌شود.

گفتمان پساکمالیستی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی

با نظر به آنچه پیرامون گفتمان پساکمالیستی یا به عبارت بهتر گفتمان پیرامون‌گرایی مطرح شد، می‌توان از آن به عنوان چارچوب اساسی سیاست خارجی دولت ترکیه طی سال‌های بعد از ۲۰۰۲ یاد کرد. در این میان بسیاری از محققان و ناظران سیاسی عناوینی همچون نئوعثمانی‌گرایی^۲ و اسلام‌آنتولیک^۳ را به کار برده‌اند.

در دکترین جدید حاکم بر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه اساساً می‌توان به این موضوع توجه داشت که این حزب ماهیتی مبهم و چندرنگی دارد؛ یعنی هم اسلام‌گراست و هم غرب‌گرا؛ هم طرفدار دموکراسی است و هم بنیادگرا. ماهیت سیاست خارجی هم بر اساس

۱. غلامعلی سلیمانی، دانیال رضاپور و سامان فاضلی، همان، ص ۲۲۲.

2. Neo-Ottomanism
3. Anatolian Islam

همان ماهیت چندرنگی، اتفاق می افتد. این کشور به طور عملی سیاست ثبات در تغییر و تغییر در ثبات را پیش گرفته است؛ از این رو هر لحظه امکان تغییر سیاست خارجی ترکیه در مواجهه با کشورهای منطقه وجود دارد. برای نمونه نباید انتظار داشته باشیم که ترکیه در عراق به یک سیاست یا یک رویه متمرکز چندساله ادامه دهد. براساس تغییرات نظام بین الملل و تغییرات نظام منطقه‌ای و قدرت‌ها و معادلات منطقه‌ای، سیاست ترکیه هم تغییر پیدا خواهد کرد.^۱

با این اوصاف، مهم‌ترین نظریه برای خوانش گفتمان پساکمالیستی حزب عدالت و توسعه که در مقام نئوعثمانی‌گرایی معرفی می‌شود، نظریه احمد داوود اوغلو،^۲ وزیر امور خارجه، نخست‌وزیر و از رهبران سابق حزب عدالت و توسعه دانست چرا که راهنمای سیاست خارجی ترکیه تا چند سال گذشته نظریه او بوده است.

احمد داوود اوغلو که ابتدا به عنوان مشاور ارشد سیاست خارجی دولت اردوغان بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ خدمت می‌کرد؛ بعدها در ماه می ۲۰۰۹ به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد. او معمار اصلی سیاست خارجی ترکیه در دو دهه اخیر خوانده شده است.^۳

داوود اوغلو در کتاب دکترین عمق استراتژیک^۴ که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد؛ می‌گوید ترکیه به خاطر تاریخ و موقعیت جغرافیایی‌اش از یک عمق استراتژیک برخوردار است و کشور خود را در زمره گروه اندکی از کشورها قرار می‌دهد که معروف به کشورهای مرکزی هستند. اوغلو عنوان می‌کند ترکیه نباید از نقش منطقه‌ای خود در بالکان و یا در خاورمیانه راضی باشد؛ چون این کشور یک قدرت مرکزی است نه یک قدرت منطقه‌ای. به همین خاطر باید به طور همزمان در چندین منطقه نقش راهبری داشته باشد؛ نقشی که به آن یک اهمیت جهانی و استراتژیک می‌دهد.^۵

در دیدگاه داوود اوغلو ترکیه یک کشور خاورمیانه‌ای، بالکانی، قفقازی، آسیای مرکزی،

۱. صادقان، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵ مؤسسه اندیشه سازان نور.

2. Ahmad Davood Aghloo

3. Martin Wanning, and Tuncay Kardas, "Impact of changing Islamic identity on turkeys new foreign policy", Turkish journal of international relations, V. 10, N.2 - 3, summer – fall, 2011, P 124.

4. Strategy of strategic depth

5. Bulent Aras, Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy, Insight Turkey, V.11, N.3. Available at www.SAM.gov.tr, 2009. Pp 128-131.



مدیرانه‌ای و متعلق به خلیج فارس و دریای سیاه است که می‌تواند به طور همزمان نفوذ خود را در این مناطق به کار برد و داعیه‌دار نقش جهانی و استراتژیک در دنیا شود. به همین دلیل او مفهوم رایج از ترکیه را به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب رد می‌کند؛ چون بر این باور است که بر اساس این دیدگاه ترکیه ابزاری برای پیشبرد منافع استراتژیک سایر کشورها خواهد بود. او خاطر نشان می‌کند که این عمق استراتژیک و جغرافیایی بیشتر با میراث عثمانی آن تقویت و بارور شده است و برای نیل به این هدف، ترکیه باید از پتانسیل‌های قدرت نرم خود بهره ببرد.^۱

داوود اوغلو با تأکید بر پتانسیل‌های بالقوه ترکیه در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی خط‌مشی البته سیاست خارجی تدوین کرد که در آن از ترکیه به عنوان کشوری مرکزی در سیاست جهانی است. این دیدگاه بر چند اصل اساسی استوار است:

۱. به حداقل رساندن تنش با همسایگان: این خط‌مشی جدید نه تنها به معنای انتقاد از سیاست‌های قبلی بلکه به

مفهوم ایجاد چارچوب مثبت و سازنده‌ای از چشم‌اندازهای آینده بود.

۲. سیاست خارجی چندجانبه‌گرایانه: این رویکرد بر مکمل بودن تعاملات بین مناسبات جدید ترکیه و

روابط با متحدان قدیمی خود صحه می‌گذارد. بنابراین با این استدلال می‌توان به این نتیجه رسید که روابط رو به افزون ترکیه با ملل خاورمیانه و روسیه با مناسبات استراتژیک و راهبردی این کشور با ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تناقض نیست.

۳. تأکید بر اهمیت میانجی‌گری ترکیه در در مناقشات منطقه‌ای و جهانی: بدین معنی که آنکارا این توان را دارد که در

ذیل ادعای ارتقای صلح و ثبات در مناطق مختلف جغرافیایی مبادرت به افزایش نفوذ خود نماید.

۴. امنیت‌زدایی: از سیاست خارجی یا به عبارت بهتر استفاده از ابزارهایی قدرت نرم همچون

دموکراسی، وابستگی متقابل اقتصاد و نفوذ فرهنگی: براساس رویکرد فوق ترکیه بازیگری است که می‌تواند با همه دولت‌ها و ملت‌ها در تعامل و همکاری باشد. در این شرایط قدرت ترکیه از توانمندی‌های نظامی این کشور نشئت نمی‌گیرد، بلکه از دموکراسی و قدرت اقتصادی آن حادث می‌شود.^۲

هر چند دکترین عمق استراتژیک، احمد داوود اوغلو را می‌توان راهنمای اصلی سیاست

1. Ahmet Davutoglu, "Turkey's Foreign Policy Vision: An assessment of 2007, Insight Turkey, V.10, N.1, 2008, pp 12-13.

2. Alexander Murrison, Strategic doctrine of Turkish foreign policy, Middle Eastern studies, V.42, 2006. PP 54-55.

خارجی ترکیه در دو دهه گذشته دانست اما در سال‌های بعد از ۱۳۹۵ که اردوغان به نوعی معادلات داخلی قدرت را در حزب عدالت و توسعه به نفع خود قبضه کرد، رویه نئوعثمانی‌گرایی با تغییری محدود و البته تأثیرگذار همراه بود که آن‌هم عبارت است از کنار گذاشتن اصل منازعه صفر^۱ در سیاست خارجی. اقدامات اردوغان در عرصه سیاست خارجی به طور ویژه از ۱۳۹۰ به بعد تغییرات محسوسی پیدا کرد که تا حدود زیادی مود تأیید غرب نیز بود.

به عبارتی، اردوغان در اسلام آنتاتولیک مورد نظر داود اوغلو تغییرات عمده‌ای پدید آورد. اردوغان در ۱۱ سال اخیر درصدد برآمده تا در چند کشور دولت‌سازی کند که ناموفق بوده و شکست خورده است، هنوز این روند را در برخی کشورها ادامه می‌دهد.^۲

سیاست خارجی ترکیه در یک سال اخیر

در مبحث حاضر از بخش دوم پژوهش تلاش می‌شود که سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان نسبت به مسائل مختلف منطقه‌ای در یک سال گذشته مورد بررسی قرار بگیرد. بیشتر بر حوزه‌های مرتبط با ایران تمرکز می‌شود.

الف) سوریه

قبل از قرارداد لوزان، مقداری از خاک سوریه و عراق فعلی که جزء خاک امپراتوری عثمانی بود، به عنوان بخشی از قلمرو جمهوری ترکیه مورد بحث قرار گرفت اما مصوب نشد. با این وجود مجلس ترکیه در طرحی با عنوان «میثاق ملی»، این مناطق را به عنوان بخشی از قلمرو خود تعریف کرد. انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها که نمی‌خواستند چاه نفت در اختیار ترک‌ها باشد، با چند تفاهم‌نامه سور و مندرس و آخرین آن لوزان- با الحاق این بخش‌ها به خاک ترکیه موافقت نکردند و ترک‌ها را از چاه‌های نفت منطقه دور کردند و مرزهای فعلی ترکیه شکل گرفت.

در مجموع، با نظر به این نگاه تاریخی که بسیار مورد تأکید حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان نیز است، در یک سال گذشته ترکیه در چهار محور اصلی با سوریه درگیر بوده است: نخست، حضور نظامی در شمال سوریه؛ دوم، آب؛ سوم، کردها؛ چهارم،

1. Zero Problem

۲. داریوش صفرنژاد، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۲۹، موسسه اندیشه سازان نور.

تداوم حمایت از تروریست‌ها و اشغال مناطقی از سرزمین‌های سوریه. در واقع، در ارتباط با برنامه یک سال گذشته ترکیه در سوریه می‌توان به موضوع تلاش حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان برای الحاق بخشی از خاک سوریه به سرزمین‌های دولت ترکیه اشاره کرد. هر چند این طرح در عصر جدید و با توجه به حاکمیت نظام دولت - ملت محور تا حدودی غیرمعقول و ناممکن به نظر می‌رسد اما رهبران کنونی ترکیه در مسیر اجرایی کردن مطامع خود به گفت‌وگوهای تاریخی و در عین حال غیر مصوب لوزان به عنوان ضامن مورد نظر خود استناد می‌کنند.

پس از آن‌که نقشه راه ترکیه در مسیر خلع بشار اسد از قدرت با شکست مواجه شد، ترک‌ها در پی اجرای نقشه راه خود مبنی بر ایجاد منطقه حائل در شمال سوریه برآمدند. اشغال منطقه‌ای در عمق ۳۰ کیلومتری شمال سوریه یا اجرای همین برنامه در شمال عراق، بر این اساس صورت گرفته است. علت مقاومت‌های شدید اردوغان در سوریه، پس از شکست طرح غربی‌ها نیز این است که بتواند مناطق مورد نظر خود را در اختیار بگیرد. اردوغان مدعی است که در قرارداد لوزان بندی وجودی دارد که به سال ۲۰۲۳ اشاره دارد و براساس اولین بند گفته شده است که در این سال هر کس هر جا قرار دارد متعلق به اوست و لذا اگر تاریخ این قرارداد تمام شود و این مناطق در اختیار ترکیه باشد، به صورت اتوماتیک جزء خاک ترکیه می‌شود و هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند شکایتی کند. که این البته واقعیت ندارد و مهم‌تر از آن اینکه اصولاً قراردادی به نام قرارداد لوزان به تصویب طرف‌های پیروز در جنگ جهانی اول نرسیده است. مقامات ترکیه در سال‌های گذشته چه در مذاکره با روس‌ها و چه در مذاکره با آمریکایی‌ها بر این مسئله تأکید داشته‌اند!

ترکیه، مانند سایر کشورهای عربی، تحولات سوریه را فرصتی برای گسترش عمق راهبردی خود، مقابله با نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و بسط نظم اخوانی بیان می‌کند. یکی از دلایل مداخله ترکیه در تحولات سوریه این است که این کشور در یک فضای جغرافیایی بسته قرار دارد. از طرف شمال با کشورهای اروپایی و همسایگانش هیچ قرابت اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک ندارد. تلاش‌های ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا تا کنون با شکست مواجه شده است. از سمت غرب، با قبرس و یونان اختلافات مرزی و اختلافات تاریخی دارد.

۱. سلیمانی، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵، موسسه اندیشه سازان نور.

از سمت شرق، با حوزه قفقاز هم با کشوری مثل ارمنستان بر سر نسل کشی ارمنی ها توسط دولت امپراتوری عثمانی اختلافات تاریخی عمیقی دارد. در واقع ترکیه چون مرز مشترک کمی با حوزه قفقاز دارد، در تحولات این منطقه چندان تأثیرگذار نبوده است. از طرف دیگر، با توجه به قدرت ایران نمی تواند در این منطقه حوزه نفوذ زیادی داشته باشد. به همین علت سوریه یکی از گزینه های مطرح برای ایجاد نفوذ و پیاده سازی اهداف ترکیه بوده است.

همچنین، در سطحی دیگر می توان بر این موضوع صحه گذاشت که سال ۱۳۹۸، سال نمایش قدرت و اقتدار اردوغان بوده و باعث تثبیت وضعیت و حضور نظامی ترکیه در سوریه شده است. نخستین اتفاق این بود که پس از آبان ۱۳۹۸ ارتش ترکیه به دو منطقه کردنشین تلعبیه تا منطقه رأس العین- یک منطقه ۱۰۰ کیلومتری به عمق ۳۰ کیلومتر- حمله کرد و آن را به تصرف درآورد. البته پیش از این نیز ترکیه از سال ۱۳۹۵ دو بار به این منطقه حمله کرده بود: یکی، سال ۲۰۱۶ که منطقه الباب را تصرف کند. دیگری، عملیات «سپر فرات» در دی ماه ۱۳۹۶ که منطقه عفرین در غرب رودخانه فرات را به تصرف درآورد.

بر همین اساس، در یک سال گذشته همچنان مهم ترین هدف ترکیه، مهار کردهای سوریه بوده است. ترکیه کردها را به همکاری با پکک و گروه های تروریستی متهم می کند؛ ولی هدف اصلی ترکیه، جلوگیری از خودمختاری و استقلال کردهاست؛ چون باعث تقویت کردهای مناطق کردنشین ترکیه می شود و ممکن است این خودمختاری سرایت کند و به تبع آن تجزیه سوریه باعث تجزیه ترکیه هم شود.

اتفاق دیگری که در یک سال گذشته افتاده، اقدامات ترکیه در منطقه ادلب با هدف تسخیر این منطقه است. ترکیه قصد دارد بعد از سقوط گروه های تکفیری، بر این منطقه سیطره یابد و آن را به تصرف درآورد.^۱

در سطح نهایی، پیرامون ارزیابی سیاست خارجی ترکیه پیرامون سوریه در یک سال گذشته می توان اظهار داشت که این کشور با سه مشکل بزرگ در سوریه مواجه است: نخست اینکه به هدف از پیش تعیین شده اش، یعنی سرنگونی دولت اسد نرسید. دوم، ژئوپلیتیک کردی تقویت شده است و ترکیه به رغم تلاش های زیاد، نتوانست جغرافیای انسانی شمال سوریه را به هم بزند. سوم، مهارناپذیری گروه های تروریستی علیرغم اشتراک

۱. نورالدین اکبری، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۲۹، مؤسسه اندیشه سازان نور.

منافع میان آنان و ترکیه است. هر سه مشکل به چالشی مهم برای ترکیه در داخل سوریه تبدیل شده‌اند. شاید ترکیه بتواند با بقای بشار اسد در قدرت کنار بیاید، که آن هم برای اردوغان موضوعی حیثیتی است، ولی به نظر می‌رسد با دو مشکل دیگر به سختی کنار خواهد آمد؛ به ویژه که بقیه کشورها از جمله رقبای ترکیه هم در موارد مقتضی می‌توانند از این عناصر و از این برگ‌ها استفاده کنند. برای مثال طی یک سال گذشته، همکاری عربستان و امارات با پکک و کردهای سوریه به شدت افزایش یافته است.^۱

ب) عراق

رویکرد سیاست خارجی کشور ترکیه نسبت به عراق در یک سال گذشته را می‌توان در چهار محور مورد ارزیابی قرار داد.

مناسبات اقتصادی: در یک سال گذشته با توجه به تحریم شدن ترکیه توسط آمریکا و کاهش ارزش لیر آن در برابر دلار و یورو، اکنون دولت ترکیه بیش از هر زمان دیگری نیازمند تعمیق همکاری‌های اقتصادی با کشور عراق است. البته نکته قابل توجه این است که عراق در سراسر سال‌های بعد از ۲۰۰۳ یکی از مهم‌ترین کانون‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکی و نیز صادرات کالاهای این کشور بوده است. کشور عراق بدون تردید، یکی از مهم‌ترین محل‌های هدف برای صادرات کالاهای ترکیه‌ای است؛ به گونه‌ای که حجم تجارت میان ترکیه و عراق در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۸ افزایش ۲/۸ درصدی داشته و به ۱۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید. حجم تجارت میان دو طرف در سال ۲۰۱۸ حدود ۱۳ میلیارد دلار بود.

در این میان مولود چاوش اوغلو از رقم ۱۰۰ میلیارد دلار سخن گفته است. در سال‌های آینده با حضور آقای کاظمی بعید نیست سطح مبادلات دو کشور به ۵۰ میلیارد دلار هم برسد. به ویژه آنکه کردستان عراق روابط گسترده‌ای با ترکیه دارد. آنکارا چند معاهده تجاری و انرژی گسترده با کردها منعقد کرده است و از آنها هم برای تضعیف قدرت مرکزی عراق و هم برای کنترل کردهای ترکیه و کردهای سوریه استفاده می‌کند، چون آنها (کردهای عراق) وابسته و نیازمند هستند که انرژی خود را بفروشند و پول در بیاورند. این حجم از مبادلات

۱. شعیب بهمن، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفت‌وگوی اختصاصی، ۱۹ آبان ۹۹. موسسه اندیشه سازان نور.

تجاری که بخش اعظم آن را صادرات ترکیه به اقلیم کردستان و دیگر استان‌های عراق تشکیل می‌دهد، برای آنکارا و رجب طیب اردوغان از اهمیت زیادی برخوردار است.

مسائل امنیتی؛ طی چند دهه گذشته حضور پکک در شمال عراق و کوهستان‌های «قندیل» به تهدید علیه امنیت ملی ترکیه تبدیل شده است؛ زیرا این شبه‌نظامیان، با بهره‌گیری از نوارهای مرزی میان دو کشور حملاتی را علیه پایگاه‌های نظامی در کشور ترکیه انجام می‌دهند و زمانی که نیروهای ارتش ترکیه وارد تقابل آن‌ها می‌شود، نیروهای پکک مجدداً راهی پناهگاه‌های خود در شمال عراق می‌شوند.

گروهک پکک در سال ۱۳۵۷ به رهبری عبدالله اوجالان، تأسیس شد اما اولین اقدامات مسلحانه این حزب در سال ۱۳۶۲ علیه مواضع نظامی و پاسگاه‌های مرزی ترکیه آغاز شد. متعاقب آغاز فعالیت نظامی این گروهک در این سال ترکیه و عراق توافق کردند که نیروهای ترکیه بتواند مهاجمان را تا عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق تعقیب کنند. این توافق تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت اما در اواسط این دهه ترکیه بدون هیچ توافقی حتی تا چند صد کیلومتر نیز به تعقیب شبه‌نظامیان PKK می‌پرداخت. در سال‌های بعد از سقوط صدام حسین نیز گروهک پکک به حضور خود در شمال عراق استحکام بیشتری بخشید و همزمان دولت ترکیه نیز بدون اجازه دولت مرکزی عراق و با کمک دولت اقلیم کردی عراق در شمال این کشور، پایگاه‌های نظامی بزرگی ایجاد کرد.

در مقطع کنونی گزارش‌ها از وجود ۱۹ پایگاه‌های نظامی ترکیه در اقلیم کردستان عراق حکایت می‌کند که بزرگ‌ترین پایگاه نظامی ترکیه در منطقه کان ماسی از توابع دهوک قرار دارد که حدود ۱۵۰۰ نظامی و عوامل اطلاعاتی با ادوات زرهی را در خود جای داده است و این پایگاه باند پروازی هم دارد.

در چند ماه گذشته دولت ترکیه دور جدید حملات علیه حضور پکک در شمال عراق انجام داد که با مخالفت شدید بغداد مواجهه و زمینه‌ساز سردی مناسبات میان دو طرف شد. حمله ارتش ترکیه به شمال عراق از ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ در قالب عملیات «پنجه عقاب» و با اعزام کماندوهای خود به منطقه هفتانین آغاز شد. همچنین، در ۲۸ خرداد ۱۳۹۹ نیز عملیات «پنجه ببر» از سوی دولت ترکیه اعلام شد. هر چند حکومت مرکزی و حتی حکومت اقلیم کردستان به شدت مخالف حضور پکک در شمال عراق هستند اما سیاسیون عراقی به هیچ عنوان موافق تجاوزات سرزمینی و نقض حاکمیت دولت عراق از

سوی آنکارا نیستند.^۱ در واقع، هدف اصلی ترکیه این است ارتباط میان اقلیم کردستان عراق و مناطق کردنشین در سوریه را قطع کند.

مساله آب: دولت ترکیه به ویژه در سه دهه گذشته سیاست سدسازی بر روی دجله و فرات را در دستور کار قرار داده و همین امر نارضایتی و اعتراضات کشورهای عراق و سوریه را به همراه داشته است. دولت ترکیه در چند سال گذشته توسعه سد ایلیسو را در دستور کار قرار داد که در نوع خود تهدیدی برای منابع آبی و حتی تامین آب شرب شهروندان عراقی تلقی شده است.

عراق معتقد است آب رودخانه‌های دجله، فرات و اروند فرامرزی است و باید آزاد باشد؛ اما آنکارا مدعی است این رودخانه‌ها در ترکیه واقع شده و از این رو حق دارد آن را تنظیم کند. برای مثال با آبیگیری سد ایلیسو، به عنوان بزرگ‌ترین سد مخزنی و برق-آبی ترکیه، که آب آنها از مناطق کردنشین ترکیه سرچشمه می‌گیرد، وضعیت آب در عراق و سوریه به خطر می‌افتد.^۲

در مجموع، در بحث آب، هشت شاخه اصلی سد برای دجله و چهارده شاخه اصلی سد برای فرات درست کرده‌اند. با اینکه بیش از ۳۰ درصد جامعه عراق در بخش کشاورزی و دامپروری به آب نیازمند هستند، سد را بسته‌اند. آقای چاوش اوغلو گفته است هر ثانیه‌ای که جلوی سد را نمی‌بندیم و آب‌گیری نمی‌کنیم، نزدیک یک میلیارد دلار ضرر می‌کنیم؛ یعنی اگر بخواهیم، می‌بندیم و شما باید به فکر دیگری باشید.^۳

مساله انرژی: مسئله دیگر انرژی در عراق است. شرکت‌های ترکیه با گروه بازرانی سرمایه‌گذاری بسیار کلانی در شمال عراق انجام داده‌اند. از جمله این شرکت‌های مشهور، «سیاه قلم، کوچ هولدینگ و انکا» هستند. در ساختمان‌سازی کردستان عراق و در بخش انرژی نفت و گاز سرمایه‌گذاری کرده‌اند. شرکت چالیک هولدینگ هم با عراق همکاری می‌کند. این شرکت در اسرائیل هم شعبه دارد. می‌توان گفت این شرکت بین شمال عراق با اسرائیل ارتباط برقرار می‌کند.

۱. سایت الوقت، کار سخت کاظمی در ترکیه با کوله‌باری از موضوعات مذاکره، ۲۷ آذر ۱۳۹۹، قابل دسترس در:

<http://alwaght.com/fa/News/189090>

۲. قائم مقامی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۲۹، موسسه اندیشه سازان نور.

۳. صادقیان، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵، موسسه اندیشه سازان نور.

برای خط لوله کرکوک-یومورتالک ترکیه سرمایه‌گذاری‌هایی انجام داده‌اند. همچنین ترکیه ۵ میلیارد دلار وام به بغداد پرداخت کرده است تا ویرانی‌های ناشی از حمله داعش را بازسازی و گذرگاه اوفاکوی را علاوه بر مرز خلیل الرحمان در طرف عراق باز کند. ترکیه می‌خواهد مسیری تجاری از طریق اوفاکوی باز کند تا از این طریق هم کردستان عراق را تحت فشار قرار دهد و آن را در کنترل خود بگیرد و هم از طریق اوفاکوی از تلعفر تا بغداد - یک مسیر مستقیم تا بغداد - ایجاد و تجارت خود را به مرکز و جنوب عراق گسترش دهد.^۱

ج) ایران

سیاست خارجی ترکیه نسبت به ایران در یک سال گذشته تا حدود زیادی منفی تلقی شده است و ناظران از آن به سردی مناسبات میان دو کشور یاد کرده‌اند. حتی برخی از کارشناسان سیاسی معتقد هستند که ترکیه طی یک سال گذشته راهبرد تضعیف حداکثری ایران را در دستور کار قرار داده و اساساً آنچه آنکارا می‌خواهد ایران ضعیف شده و در مانده در مسائل منطقه‌ای است. در همین زمینه، اسدالله اطهری معتقد است: «ترک‌ها در حال تبدیل ایران به قدرت درجه چندم هستند. شاید فکر می‌کنند که ایران ضعیف خیلی خوب است یا ایران از نظر آنها در حال فروپاشی است یا ایران بعد از شهید سلیمانی ضعیف شده است و دیگر سردار بزرگی در قامت سرار شهید قاسم سلیمانی وجود ندارد.^۲

در واقع، ترکیه حزب عدالت و توسعه در پاره‌ای از موضوعات از تضعیف نقش ایران پشتیبانی می‌کند. با این حال ترکیه برای ایران، با توجه به مشکلاتی که دارد، یکی از ریه‌های تنفسی است. ترکیه امروزین از همه قدرت‌های جهانی و از همه فاکتورها برای افزایش قدرت خود استفاده می‌کند. چنین ترکیه‌ای در صد سال اخیر، معطوف به سابقه نبوده است. در سطح منطقه‌ای، هدف ترکیه این است که نفوذ ایران را در عراق قطع کند. اردوغان چند بار حشد الشعبی را گروه تروریستی اعلام کرد، اما اکنون سکوت کرده است و کاری انجام نمی‌دهد. می‌گوید حشد الشعبی در سوریه هم نفوذ کرده است. می‌گویند ایران مانع نفوذ ترکیه در عراق، سوریه و لبنان است. از طرف دیگر، ترکیه حزب‌الله را قبول ندارد. بکیر بوزداغ که دست راست اردوغان خوانده شده است و هم وزیر و هم نماینده مجلس بوده

۱. قائم مقامی، همان.

۲. اسدالله اطهری، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵، موسسه اندیشه سازان نور.

است، علنا حزب الله را «حزب الشیطان» خواند. اردوغان حشد الشعبی و حزب الله را قبول ندارد و می‌خواهد هر دو جناح تضعیف شوند تا بتواند نفوذ خود را در عراق، سوریه و لبنان گسترش دهد.^۱ در واقع، ترکیه نمی‌خواهد مسیر ایران-عراق-سوریه-لبنان-فلسطین باز باشد. مرکز تحقیقات اورسال در مقاله‌ای به منافع ترکیه و اسرائیل در سوریه پرداخته است. بنابراین رقابت ترکیه فقط با عراق نیست، بلکه با محور مقاومت رقابت دارد.^۲

در مجموع، اگر رفتار ترکیه را دست‌کم در یکی، دو سال اخیر که آمریکا تحریم‌ها علیه ایران را برگرداند، با دوره پیشین که تحریم‌ها علیه ایران وجود داشت، مقایسه کنیم، می‌بینیم این رفتار کاملاً تغییر کرده است. در دوره قبلی، با اینکه تحریم‌ها علیه ایران ذیل منشور سازمان ملل رفته بود، ترک‌ها با ایران همکاری تمام‌قد می‌کردند. البته منافع خاص خود را داشتند و از لحاظ اقتصادی هم بسیار بهره‌مند شدند. ولی در این دوره که تحریم‌ها کاملاً یک‌جانبه است و هیچ اجماعی روی آن نیست و حتی کشورهای اروپایی و قدرت‌های بزرگی مثل روسیه و چین چنین تحریم‌هایی را نپذیرفته‌اند، ترک‌ها با تحریم‌ها علیه ایران همنوایی نشان می‌دهند. این اتفاقات تعمدی است و نمی‌تواند ناخواسته باشد.^۳

البته نماد بارز به سردی گراندین مناسبات میان ایران و ترکیه را می‌توان در سطح مناسبات تجاری و اقتصادی میان دو کشور مورد ارزیابی قرار داد. در همین زمینه، وزارت تجارت ترکیه آماری منتشر کرد که براساس آن تبادلات تجاری دو کشور در ۹ ماه گذشته چهار برابر کاهش پیدا کرده و به زیر ۸۰۰ میلیون دلار رسیده است. در واقع، روابطی که بیش از ۱۶ میلیارد دلار بوده، اکنون به زیر ۸۰۰ میلیون دلار رسیده است. این مساله نشان می‌دهد روابط دست‌کم در یکی، دو سال گذشته، تا چه حد کاهش پیدا کرده است! همچنین، ترکیه طی یک سال گذشته در زمینه صادرات گاز ایران به ترکیه بارها کارشکنی کرده و در یک سال گذشته آسمان خود را بر روی پروازها از ایران بسته است.

د) فلسطین و رژیم صهیونیستی

در یک سال گذشته، سیاست خارجی ترکیه در حوزه مناسبات با رژیم صهیونیستی را

۱. قائم مقامی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۲۹، موسسه اندیشه سازان نور.

۲. قائم مقامی، همان.

۳. شعیب بهمن، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفت‌وگوی اختصاصی، ۱۹ آبان ۹۹، موسسه اندیشه سازان نور.

می‌توان نوعی سیاست دو پهلو و مبهم مورد ارزیابی قرار داد. از یک سو، انکارا ژست ضدیت با تل‌آبو را اتخاذ می‌کند و از سوی دیگر، در همکاری‌های امنیتی خود را با این رژیم توسعه بخشیده است. در واقع، «ترکیه در جنگ سوریه، به عرب‌ها ایراد می‌گرفت که چرا با اسرائیل روابط برقرار کرده‌اید، اما این در شرایطی است که دولت ترکیه خود این روابط را داشته است. در آذربایجان هم با اسرائیل همکاری می‌کند. هواپیماهای اسرائیلی ابتدا به استانبول می‌روند و سپس از آنجا به مقصد آذربایجان حرکت می‌کنند.^۱

اما در سطحی دیگر، برخی ناظران سیاسی معتقد هستند که هر دو سوی رویکرد ترکیه نسبت به فلسطین و اسرائیل، مبنایی واقعی دارد. در همین زمینه، دکتر دولت‌آبادی معتقد است آنچه که دولت‌مردان ترکیه، طی یک سال گذشته درباره اسرائیل می‌گویند واقعی است و آنچه در مورد فلسطین هم می‌گویند واقعی است. الان برای ترک‌ها یک همکاری خیلی عمیق و همه‌جانبه با اسرائیلی‌ها در موضوع آذربایجان و قره‌باغ نشان‌دهنده یک اصل امنیت ترکیه است. در ضمن این حقیقت وجود دارد که ترک‌ها با اسرائیل ضدیت‌هایی دارند و آن ضدیت‌ها را پنهان نمی‌کنند و در حال حاضر اظهار آن هم به نفع‌شان است و کمک‌شان می‌کند. اسرائیلی‌ها هم این موضوع را می‌دانند و به آنها اجازه می‌دهند که این کار را بکنند. ما باید بدانیم که هر دو رفتار واقعی است. بیشترین چیزی که در حال حاضر منافع ترک‌ها را تأمین می‌کند، همکاری پنهان است مثل همکاری‌ای که در مورد سوریه و داعش و عرب‌ها داشتند.^۲

در سطحی دیگر، می‌توان اظهار داشت که در یک سال گذشته، آنچه بین ترکیه و اسرائیل می‌گذرد، بیشتر لفظی و در حوزه سیاسی است که در حوزه اقتصادی و همکاری‌های امنیتی و نظامی هیچ تأثیری نگذاشته است. همچنین همکاری‌های امنیتی و نظامی ترکیه و اسرائیل به روال قبل است و کاهش پیدا نکرده است. اردوغان تمایل دارد خود را به عنوان رهبر جهان اسلام نشان دهد و وانمود کند حامی آرمان فلسطین یا نفر اول در حمایت از آرمان فلسطین است؛ با این حال در عمل چنین اتفاقی نیفتاده است. هر کشور یا هر رهبری که چنین ادعایی داشته باشد، باید در وهله اول، روابطش را در همه ابعاد با اسرائیل قطع کند، در

۱. سلیمانی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵، موسسه اندیشه سازان نور.

۲. دولت‌آبادی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵، موسسه اندیشه سازان نور.

حالی که ترکیه چنین کاری انجام نداده است.^۱

در نتیجه می‌توان تأکید کرد در وضعیت کنونی، در خصوص موضوع کرانه‌ی باختری و نیز مساله‌ی روابط با تشکیلات خودگردان فلسطینی، ترکیه بیش از آن‌که مدافع آرمان‌های فلسطینیان باشد، در پی بهره‌برداری سیاسی از مساله‌ی فلسطین به نفع آمال سیاسی خود در جهان اسلام است. ترکیه از هرگونه مانور سیاسی به منظور بزرگ‌نمایی تهدید تل‌آویو، تحقیر کشورهای عربی نزدیک به این رژیم و نفوذ در جهان عرب بهره می‌گیرد. در نتیجه، موضوع کرانه‌ی باختری به‌عنوان حق فلسطینی‌ها در سیاست‌های اعلامی ترکیه اعلام می‌شود، اما در عمل ترکیه مواضع خاصی در برخورد با رژیم صهیونیستی در این زمینه نداشته است.

ه) منطقه قفقاز

در طول تاریخ هم جغرافیا و منابع قفقاز برای ترک‌ها اهمیت داشته و هم در این منطقه علایق قومی داشته است. اگر قفقاز شمالی و جنوبی را یکپارچه نگاه کنیم، اقوام ترک هم در بخش جنوبی و هم در بخش شمالی حضور داشتند. ترک‌ها در طول تاریخ سعی می‌کردند از این اقوام ترک به عنوان محور نفوذ خود استفاده کنند و همچنان هم این کار را می‌کنند. جز در دوره شوروی که مرزبندی‌ها به قدری سخت بود که عملاً جلوی این نفوذ گرفته شده بود، مسائل قومی همیشه در دستور کار ترکیه در این منطقه بوده و تسلط بر جغرافیا و ژئوپلیتیک قفقاز همواره از سیاست‌های ترکیه بوده است. اگر بخواهیم سیاست ترکیه نسبت به منطقه قفقاز را در یک سال اخیر بررسی کنیم، باید به امتداد تاریخی توجه کنیم. بعد از فروپاشی شوروی، می‌توان سیاست خارجی ترکیه در منطقه را به دو دوره عمده تقسیم کرد: یکی، در دهه ۱۳۷۰ و دیگری از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه.

در دهه ۱۳۷۰ مشخص بود که ترکیه دارد غرب را نمایندگی می‌کند. هم منافع غرب را پیش می‌برد و هم سعی می‌کرد سیستم سیاسی خود را به عنوان یک الگو و مدل به کشورهای منطقه القا کند و در عین حال همان سیاست‌های قومی را همچنان پیگیری می‌کرد؛ چنان‌که ارتباطات بسیار گسترده‌ای در حوزه مسائل قومی با اقوام مختلف چه در قفقاز جنوبی یا قفقاز شمالی برقرار کرد. نمود آن بین کشورهای ترک‌زبان، ایجاد اتحادیه کشورهای ترک‌زبان

۱. شعیب بهمن، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفت‌وگوی اختصاصی، ۱۹ آبان ۹۹، موسسه اندیشه سازان نور.

بود. در قفقاز شمالی هم دولت ترکیه اقدام به حمایت از جدایی طلبان و شورشی‌ها از جمله در چچن و اینگوش می‌کرد اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نگاه سنتی به منطقه قفقاز تا حد زیادی تغییر کرد. ترکیه بیشتر به سمت اوراسیایی‌گرایی جدید در حوزه قفقاز گرایش پیدا کرد که امتداد آن تا آسیای مرکزی رفت. ترکیه سعی کرد به مسائل اقتصادی اهمیت بیشتری بدهد؛ از این رو اقدام به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی در کشورهای منطقه کرد. ژئوپلیتیک خطوط لوله و منابع انرژی منطقه برای ترکیه بسیار مهم شد و همچنان تلاش می‌کرد از پیوستگی جغرافیایی به منطقه، بیشترین استفاده را کند. در دوره‌هایی به سمت تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و صفر کردن تنش‌های منطقه رفت. نمود آن در رابطه با ارمنستان بود که در جهت عادی‌سازی روابط حرکت کرد و در این میان دیدار آقای عبدالله گل با رئیس‌جمهور ارمنستان اتفاق افتاد که در کنار هم بازی فوتبال را مشاهده کردند. در کنار همه این موارد، ترکیه در طول سال‌های گذشته اقدام به سرمایه‌گذاری‌هایی در گرجستان کرد که همچنان ادامه دارد^۱.

در حوزه آذربایجان، جمهوری آذربایجان را بیشتر به شکل یک متحد قومی و در عین حال متحد سیاسی تلقی می‌کند. ارمنستان برای ترک‌ها یک دشمن قومی یا یک رقیب تاریخی یا یک دشمن تاریخی به حساب می‌آید. ریشه آن به موضوع نسل‌کشی و سایر منازعاتی برمی‌گردد که در طول تاریخ با یکدیگر داشته‌اند و تضادهایی که بین قوم ارمنی و ترک بوده است. تنها کشور در منطقه قفقاز که شاید ترکیه خیلی با آن مشکل قومی ندارد، گرجستان است. ترکیه بیشتر هم سعی کرده است در حوزه مسائل اقتصادی سیاست‌های خود را پیش ببرد.

در مجموع، در سال‌های اخیر آنچه بر عناصر سنتی سیاست ترکیه در قفقاز افزوده شده، جاه‌طلبی‌های نوعثمان‌گرایانه اردوغان بوده است. همچنان آن رویکردها و علایق قومی و تمایل به تسلط بر جغرافیا و ژئوپلیتیک قفقاز را می‌بینیم. همه این موارد با جاه‌طلبی‌ها و بلندپروازی‌های اردوغان جمع شده است. در بحران اخیر قره‌باغ نیز که می‌توانیم از آن به عنوان مصداقی عینی یاد کنیم، ترک‌ها به خوبی فرصت‌طلبی کردند و موقعیت را خوب شناختند تا بتوانند آغازگر جنگ فعلی در منطقه قفقاز باشند؛ به ویژه که بقیه کشورها از

۱. شعیب بهمن، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۹۹، موسسه اندیشه سازان نور.

جمله قدرت‌های بزرگ به نوعی سرگرم مشکلات دیگر بودند. برای مثال، روس‌ها علاوه بر مشکلات کرونا، با بحران بلاروس دست به گریبان هستند. آمریکایی‌ها علاوه بر کرونا، با مسئله انتخابات مواجه بودند و هیچ‌کس دوست ندارد در آستانه انتخابات، جنگ جدیدی در هیچ کجای دنیا شکل بگیرد. شواهد بسیار زیادی هم وجود دارد که ترکیه آغازگر جنگ بوده است؛ چون نیروهایش را وارد منطقه کرد و بعد از مانور نظامی خارج نکرد.^۱

اگر سیاست ترکیه در آذربایجان موفق شود، به‌طور خیلی طبیعی و خوش‌بینانه تا ۱۰-۱۵ سال کل نفت و گاز آذربایجان در اختیار ترک‌ها قرار خواهد گرفت. ترکیه در راه‌اندازی راه‌آهن و نیز انتقال گاز آذربایجان به این کشور کمک کرده است. از نظر نظامی و اطلاعاتی هم آذربایجان را پوشش داده است. در ایجاد دردسر برای ایران و روسیه هم بستر بسیار مناسبی فراهم کرده است.^۲

در سطحی دیگر، مقامات ترک همیشه تمایل داشتند دست‌نشانندگان خود را در آذربایجان به حکومت برسانند. با توجه به نفوذی که در حال حاضر در آذربایجان دارند، احتمال دارد بذر چنین کاری را برای آینده بکارند. ممکن است در آینده به این سمت بروند و حتی به دنبال تغییر رژیم و حکومت باشند تا آدم‌های خود را در آذربایجان سر کار بیاورند. البته این طرحی است که در میان مدت و درازمدت ممکن است اجرایی شود. در حال حاضر علی‌اف با توجه به پیشروی‌هایی که داشته است، ممکن است تا مدتی بین مردم محبوبیت کسب کند؛ با این حال ترکیه همواره چنین طرحی داشته است و احتمال دارد بخواهد آن را اجرایی کند.

هدف دیگر آنها، بحث پان‌ترکیسم است و می‌خواهند تأثیرگذاری خود را روی محیط ایران افزایش دهند؛ چون معتقدند آذری‌های دو طرف ارس پیوستگی‌های بسیار بیشتری دارند تا بین مرز ایران و ترکیه؛ بنابراین تأثیرگذاری‌شان روی همدیگر می‌تواند خیلی بیشتر باشد. این هدف هم می‌تواند در آینده ابزاری باشد تا ترکیه- با توجه به جریان‌هایی که پشت این قضیه هستند- روی امنیت ملی ایران تأثیرگذاری‌های خاص خود را داشته باشد.^۳

۱. شعیب بهمن، همان.

۲. سلیمانی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵. موسسه اندیشه سازان نور

۳. شعیب بهمن، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفت‌وگوی اختصاصی، ۱۹ آبان ۹۹. موسسه اندیشه سازان نور

و) لبنان

کشور لبنان یکی دیگر از حوزه‌های مورد تمرکز سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در یک سال گذشته بوده است. البته در این زمینه نکته قابل توجه این است که طی سال‌های اخیر، حزب عدالت و توسعه در منطقه طرابلس در شمال لبنان مدل جدید اخوان را به وجود آورده‌اند. علت آنکه به آن «اخوان اردوغانی» می‌گویند این است که در مرام اخوان چیزی به نام تکفیر وجود ندارد. اخوان نقطه مقابل جریان وهابیت تکفیری بود؛ اما اردوغان ترکیبی از این دو را به وجود آورده است که امروز سربازان نیابتی او شده‌اند. در سومالی، لیبی و سوریه و در حال حاضر در قره‌باغ شاهد حضور آنها هستیم. این سربازان نیابتی ضلع سوم سیاست خارجی ترکیه هستند. از جمله رهبرانی که برای اخوان در لبنان ساخته سالم‌الرافعی است. چون این جریان‌ها نوپا هستند قطعا در مقابل جریان حزب‌الله و بعضی جریان‌های دیگر در لبنان قدمت کمتری دارند؛ بنابراین نمی‌توان آنها را با هم مقایسه و هم‌وزن تصور کرد.^۱

به هر حال اردوغان و ترکیه برای ایجاد یک جریان جدید با محوریت اخوان مد نظر خود در لبنان هزینه می‌کنند. سرریز این موضوع در لبنان، از بازیگری ترکیه در سوریه شروع شد. شاید این مدل از اخوان را ترک‌ها ۱۰ سال پیش در سوریه پایه‌گذاری کردند که به مرور جهش یافت؛ به گونه‌ای که امروز می‌توانیم از مدل خاص اخوانی مورد حمایت ترکیه یاد کنیم. در اغتشاشات دو سال اخیر در لبنان، یک پای اصلی قصه، جریان اخوان اردوغانی بوده است. در اغتشاشات کف خیابانی در منطقه طرابلس، که یکی از مراکز اصلی اقتصاد لبنان است، جریان اخوان اردوغانی حضور داشتند. ترک‌ها هر کجا می‌روند حضور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی اعتقادی را در قالب یک بسته و در طول هم تعریف می‌کنند و ارائه می‌دهند.^۲

در سطح دیگر، در یک سال گذشته دولت ترکیه بر حضور ترکمن‌ها در لبنان تمرکزی ویژه داشته است. در واقع، اقلیتی ترکمن در لبنان زندگی می‌کنند. ترکیه بر مبنای سیاست ایجاد گروه‌های نیابتی قومی و مذهبی وابسته به خود در منطقه، سعی می‌کند اقلیت ترکمن لبنان را به سمت خود بکشاند؛ چنان که در شمال عراق روی ترکمن‌ها سرمایه‌گذاری کرده یا اقدام به این کار داخل سوریه کرده است. ترک‌ها معتقدند اگر بازیگری بخواهد در فضای

۱. داریوش صفرنژاد، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۲۹. موسسه اندیشه سازان نور
۲. داریوش صفرنژاد، همان.



سیاسی لبنان تأثیرگذار باشد، حتماً باید نیروی پیاده‌نظام داشته باشد. با توجه به تعدد اقوام و مذاهب در لبنان، و وابستگی خارجی هر یک از آنها، ترکیه هم ناگزیر است به سمت چنین سیاستی برود. ترک‌ها معتقدند شیعیان لبنان به ایران، اهل سنت به عربستان، و مسیحی‌ها به فرانسه و کشورهای اروپایی نزدیک هستند. ترکیه هم برای باز کردن چای پا، تلاش می‌کند روی ترکمن‌ها تأثیر بگذارد تا از این طریق در مسائل سیاسی لبنان هم نفوذ کند.^۱

ز) یمن

یکی دیگر از حوزه‌های مهم در ارزیابی سیاست خارجی ترکیه طی یک سال گذشته را می‌توان در ارتباط با کشور یمن و در صدر آن انصارالله مورد ارزیابی قرار داد. بحران یمن که حاصل تحولات ابتدای دهه‌ی ۱۳۹۰ تا به امروز بوده، از سوی دولت‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و نیز سازمان ملل به‌عنوان یک نبرد فرسایشی و فاجعه‌ی انسانی دیده می‌شود. طیف بازیگران ذینفع در این بحران نیز بسیار طولانی است. اما با تمرکز بر رویکرد ترکیه به این بحران، باید گفت، این کشور تا به امروز نقش، دخالت یا حضور مستقیمی که مستند باشد در این نبرد و جنگ نداشته است و موضع ترکیه در این جنگ هم چندان مورد توجه رسانه‌ها و تحلیل‌گران قرار نگرفته است. با این حال، این موازنه به سرعت در حال تغییر است، و گویا سیاست‌های اعلامی این کشور در مورد بحران یمن، با واقعیت‌های عملی سیاست این کشور متفاوت است. باید توجه داشت که این تغییر به مواضع فعلی در محور منازعات امنیتی منطقه‌ای ارتباط دارد که با ورود امارات به تنش مستقیم با ترکیه در کنار یونان و حضور در رزمایش نظامی یونان و فرانسه که نمایش قدرتی آشکار علیه ترکیه و دکترین گسترش عمق استراتژیک آنکارا در حوزه‌های مختلف بوده، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی بیشتر ترکیه و روشن شدن چراغ سبزی برای فعال شدن آن در بحران یمن، جهت تنبیه و مقابله با امارات شده است.

ترکیه با همکاری قطر در تلاش است تا با جذب نیروهای حزب الاصلاح نزدیک به اخوان‌المسلمین در یمن و ترمیم آنها، به انشقاق در صفوف نیروهای هادی منصور که به عربستان و امارات نزدیک است پرداخته و زمینه را برای تغییر عرصه‌ی نبرد علیه این دو کشور عربی تدارک

۱. شعیب بهمن، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفت‌وگوی اختصاصی، ۱۹ آبان ۹۹. موسسه اندیشه سازان نور

ببیند. در این میان نیروهای اخوانی نزدیک به صالح الجبوانی مورد حمایت کامل تسلیحاتی و آموزشی و نیز مالی قطر قرار گرفته‌اند، که ترکیه به شدت از آن در خفا حمایت می‌کند.^۱ حمایت از محور اخوانی در این نبرد و جنگ فرسایشی تنها یک قطعه‌ی دیگر از پازل همکاری ترکیه‌ای - قطری در این زمینه است، که در حال برجسته‌تر شده است.

با این وجود این دو کشور از ابتدای بحران یمن در سال ۲۰۱۵، حمایت کامل خود را از دولت‌های که مورد حمایت سازمان ملل است اعلام کرده و نیز از ائتلاف عربستان برای جنگ یمن نیز حمایت کرده بودند با تشدید تنش‌ها میان عربستان و قطر اکنون صحنه‌ی یمن از نظر اردوغان تغییری کرده است. ترکیه و قطر با هدف ضربه‌زدن به عربستان (به نفع قطر) و ضربه‌زدن به امارات (به نفع ترکیه) در حال کمک‌رسانی به نیروهای اخوانی هستند، تا بتوانند عرصه‌ی موازنه‌ی جنگی در این کشور را علیه امارات و عربستان، و به نفع خود تغییر دهند.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ عمدتاً بر همان مبنایی پیش رفته که احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه پیشین ترکیه، آن را تئوریزه کرده بود. با خروج داود اوغلو از حزب عدالت و توسعه، اردوغان مسیر اوغلو در عرصه سیاست خارجی را بازنویسی کرد اما واقعیت این اساس که اساس کار دستگاه سیاست خارجی آنکارا، همان سیاست نوعثمانی‌گرایی است که به عنوان شاهکار سیاست خارجی ترکیه در کتاب «عمق استراتژیک» داود اوغلو مطرح شده است. وقتی به سال‌های گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم اقدامات، سیاست‌ها و اهدافی که ترکیه در منطقه دنبال می‌کند، یادآور دوران اقتدار امپراتوری عثمانی با حوزه نفوذ وسیع و تداعی‌کننده میراث اسلامی است.

در ارزیابی رویکرد یک سال اخیر سیاست خارجی ترکیه مهم‌ترین مساله را می‌توان در ارتباط با رویکرد نوعثمانی‌گرایی توسط حزب عدالت و توسعه مورد ارزیابی قرار داد. اگر چه در گذشته نیز در ارزیابی عملکرد سیاست خارجی این حزب واژه نوعثمانی‌گرایی به کار گرفته می‌شد اما در مقطع کنونی اکنون اردوغان و دیگر مقامات دولت ترکیه در طرح این رویکرد تصریح دارند.

در واقع، حزب عدالت و توسعه امروز همان حزب عدالت و توسعه دیروز نیست، چون

1. Redondo, Raúl, Turkey sets its sights on Yemen, Atalayar, 22 June 2020, At: <https://atalayar.com/en/content/turkey-sets-its-sights-yeme>

رادیکال‌ها قدرت را به دست گرفته‌اند. حزب عدالت و توسعه زمانی طرفدار ایران بود، این رویکرد در وضعیت کنونی دست‌خوش تغییراتی شده است. در عرصه مسایل دیگر منطقه نیز سیاست خارجی اردوغان بیش از آنکه تعاملی باشد، تهاجمی است و این خلاف دکترین احمد داود اوغلو است.^۱

همچنین، در سطح داخلی نیز می‌توان سرخ‌هایی از تغییر جمهوری پارلمانی به ریاستی را در اقدامات اردوغان مشاهده کرد. اردوغان همچنین از آتاتورک انتقاد و او را به عنوان کسی معرفی کرده است که سرمایه عثمانی را در جهان اسلام هدر داده و خیانت کرده است. اردوغان در چند ماه گذشته نیز در اقدامی دیگر موزه ایاصوفیا را به مسجد تبدیل کرد. او همچنین در داخل، اقتدار ریاستی را جایگزین کرده و خود به ریاست نشسته است و توجیه می‌کند که برای تثبیت این مسئله باید حتماً به دستاوردی بزرگ مثل کشورگشایی یا دسترسی به مرزهای میثاق ملی پیدا کنم.^۲

در سطحی دیگر، یکی از مهم‌ترین کانون‌های قابل توجه در سیاست خارجی جدید ترکیه را می‌توان در ارتباط با گرایش این کشور به سمت بهره‌گیری از نیروهای نیابتی مورد توجه قرار داد که این مساله پیش از شهادت سردار سلیمانی در دستور کار رئیس سازمان اطلاعات و امنیت این کشور (میت) قرار گرفته است. ترکیه اینک درصدد است تا کاری که سردار سلیمانی انجام می‌داد، توسط هاگان فیدان، رئیس سازمان اطلاعات خود عملی کند که البته قابل تحقق نیست چرا که سردار سلیمانی ایده‌ای نژادپرستانه و قدرت‌طلبانه نداشت و ترکیه اردوغان دغدغه‌ای جز قدرت و نژادپرستی ندارد.^۳

در مجموع، در مقام یک برآورد کلی از سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، می‌توان اظهار داشت که رفتار ترکیه تهاجمی‌تر شده و همکاری‌ها با ایران را کاهش داده است. در واقع، ترک‌ها گمان می‌کنند، می‌توانند از نبود و خلأ حضور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بهره‌برداری حداکثری نموده و روند معادلات را در منطقه خاورمیانه و حتی شمال آفریقا به نفع خود تغییر دهند.

۱. اسدالله اطهری، همان.

۲. سلیمانی، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵. موسسه اندیشه سازان نور

۳. اسدالله اطهری، جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵. موسسه اندیشه سازان نور

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- آرمسترانگ، ویلیام (۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰)، این ترکیه، ترکیه قدیم نیست؛ چرخش در سیاست خارجی ترکیه»، سایت بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترس در: <https://www.bbc.com/persian/world-features-53368097>
- اطهری، اسدالله (۱۵ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.
- اکبری، نورالدین (۲۹ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.
- آصف، محمد حسن (۱۳۸۰)، اهداف سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۸.
- آقای سع (۲۴ تیر ۹۹)، نشست تخصصی امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه، کارگروه اورآسیا.
- آقای ضی (۳۱ تیر ۹۹)، امکان‌سنجی افزایش همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه، گفتگو ویژه.
- بهمن، شعیب (۱۹ آبان ۹۹)، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفتگو اختصاصی.
- بهمن، شعیب (۱۵ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.
- حیدری، مهدیه (۱۳۹۸)، سیاست خارجی ترکیه در حوزه دریای سیاه در دوره پس از جنگ سرد، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۱.
- دانش‌نیا، فرهاد، احمدیان، قدرت و مسعودهاشمی (۱۳۹۲)، هویت تاریخی، نوع‌ثمنی‌گرایی و سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۷.
- دولت آبادی (۱۵ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.
- سایت الوقت (۲۷ آذر ۱۳۹۹)، کار سخت کاظمی در ترکیه با کوله‌باری از موضوعات مذاکره، قابل دسترس در: <http://alwaght.com/fa/News/189090>
- ستوده، علی اصغر و نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۷)، پویش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان - ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان.
- سلیمانی (۱۵ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.
- سلیمانی، غلامعلی، رضاپور، دانیال و سامان فاضلی (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست‌ها و پساکمالیست‌ها در جمهوری ترکیه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم.
- صادقیان (۱۵ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹، ۹۹/۷/۱۵.
- صفرنژاد، داریوش (۲۹ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و

چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم.

- علی رضا بیگدلی (۳۰ مهر ۱۳۹۹)، ارزیابی اهداف سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته، گفتگو اختصاصی.

- قائم مقامی (۲۹ مهر ۱۳۹۹)، صورت جلسه ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ترکیه در یک سال گذشته و چشم‌انداز آن، سه ماهه سوم ۹۹.

منابع انگلیسی

- Aras, Bulent (2009), Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy, Insight Turkey, V.11, N.3. Available at www.SAM.gov.tr
- Davutoglu, Ahmet (2008), Turkey's Foreign Policy Vision: An assessment of 2007, Insight Turkey, V.10, N.1.
- Kuru, Ahmet (2015), Turkey's Failed Policy toward the Arab Spring: Three Levels of Analysis, Mediterranean Quarterly 26:3 DOI 10.1215/10474552-3145779.
- Murrison, Alexander (2006), "Strategic doctrine of Turkish foreign policy", Middle Eastern studies, V.42.
- Olson, w and Nurhan ince (1977) "Turkish foreign policy from 1923 -1960: Kemalism and its legacy, a review and a critique", Oriente Moderno, Anno 57, Nr. 5/6.
- Redondo, Raúl, Atalayar, (22 June 2020), Turkey sets its sights on Yemen, At: <https://atalayar.com/en/content/turkey-sets-its-sights-yeme>
- Wanning, Martin and Kardas, Tuncay (2011), "Impact of changing Islamic identity on Turkey's new foreign policy", Turkish journal of international relations, V. 10, N.2 - 3, summer - fall.
- Yackley, Ayla Jean (15 October 2020), How Turkey militarized its foreign policy, Available at: <https://www.politico.eu/article/how-turkey-militarized-foreign-policy-azerbaijan-diplomacy/>

